

کرونا، محیطهای کار و اعتصاب عمومی گفتگو با شهلا دانشفر

صفحه ۳

توافق آمریکا و طالبان،
آینده سیاسی افغانستان به کجا می‌رود؟
سیامک بهاری

صفحه ۵

انقلاب عراق ادامه دارد
گفتگو با عصام شکری از حزب کمونیست کارگری چپ عراق

صفحه ۶

خرده فرمایش "در خانه بمانید!"
مراد مکوندی

صفحه ۸

اطلاعیه ها:

جمهوری اسلامی قابل اعتماد نیست!
ارسال کمک برای مقابله با کرونا باید تحت نظارت مردم باشد

حکومت کرونای اسلامی سه نویسنده را به زندان احضار کرد

اکرم رحیم پور از ادامه بازداشت همسرش جعفر عظیم زده
و دیگر زندانیان خبر میدهد

بیماری کرونا - اطلاعیه شماره ۱۱
با زمزمه اعتصاب در مجتمع فولاد اهواز این شرکت تعطیل اعلام شد
حقوق کارگران تماما پرداخت میشود

بیماری کرونا - اطلاعیه شماره ۱۲
جان باختن احمد نعمت الهی کارگر ایران خودرو به دلیل کرونا
کارگران ایران خودرو خواهان تعطیل این شرکت هستند

صفحه ۹ تا ۱۱

برای رهایی از ویروس کرونا
باید از کرونای
جمهوری اسلامی رهایی یافت!

سرنگون باد حکومت
چپاول، دروغ و جنایت اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال

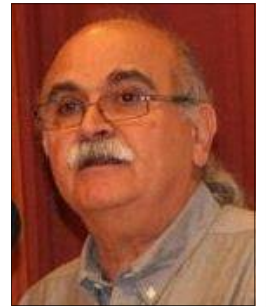


حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۵۹

جمعه ۲۳ اسفند ۱۳۹۸، ۱۳ مارس ۲۰۲۰

حمید تقوایی کرونا و شرایط سیاسی امروز ایران



کرده است و یک جامعه معترض و بی‌خاسته را به محاق ترس و اضطراب و تلاش برای بقا و حفظ جان خود فرو برده است. اما این تنها ظاهر قضایا است. تاثیر شیوع کرونا تنها در ترس و نگرانی و تلاش کاملاً قابل فهم و برحق مردم برای حفظ جان خود نبوده است. گسترش خشم و تنفر توده مردم نسبت به رژیم و همیاری و اتکا به نیروی خود در مقابله با این فاجعه، روی دیگر سکه بحران کرونا است. یک علت مهم نگرانی و اضطراب جامعه در مقابله با کرونا، وجود حکومتی است که نه تنها هیچ قدمی برای نجات جان شهروندان بر نمی‌دارد بلکه خود عامل اصلی شیوع ویروس کرونا است. در عمق هراس و نگرانی مردم، تنفر و انزجار از کل جانیان حاکم نهفته است.

همه می‌دانند ادامه پروازها به چین، پنهان کردن ابعاد فاجعه و دروغگوئی بمردم، خود داری از قرنطینه کردن شهر قم و سایر مراکز گسترش بیماری، احتکار دارو و ماسک و روپوش و دیگر مواد لازم برای مقابله با بیماری، تهدید و بازداشت پزشکان و پرستاران شریفی که حقایق را به اطلاع مردم می‌رسانند و غیره و غیره همه

در جامعه و فضای سیاسی ایران همه چیز تحت الشعاع اپیدمی کرونا قرار گرفته است. روند اعتراضی گسترده ای که با خیزش آبان ماه آغاز شده بود، در مواجهه با کرونا متوقف شد. با شیوع ویروس کرونا از نظر شکل مبارزه تظاهرات و تجمعات اعتراضی عملاً غیرممکن شد و در محتوی نیز حفظ جان خود بر همه چیز سایه انداخت.

در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد بحران کرونا جنبش اوج گیرنده ای را که بالقوه میتوانست در هشت مارس روز جهانی زن و یا در مبارزات هر ساله کارگران برای اضافه دستمزد و یا حتی به بهانه چهارشنبه سوری و مراسم عید، برآمد دیگری داشته باشد متوقف

ادامه در صفحه ۲

ادامه از صفحه ۱

کرونا و شرایط سیاسی امروز ایران

جمهوری اسلامی عامل شیوع کرونا در ایران

نابود باد جمهوری اسلامی

PhotoGrid



لااقل تا زمان مهار بیماری کرونا ادامه پیدا کند.

این واقعیات نشان میدهد که مقابله با اپیدمی کرونا هم اکنون به مبارزه با حکومت همدست او عجین شده است. اولویت و هدف تلاشهای مردم به درست حفظ جان خود و دیگران است. اما جزئی از این تلاش مقابله با جمهوری اسلامی است. در هر قدم، از اطلاع رسانی و انتشار آمار واقعی، تا توزیع کمک های بهداشتی و درمانی و تا وارد کردن کمکهای مالی و جنسی از خارج کشور، باید با مانع جمهوری اسلامی، با سپاهیان و محترکان و قاچاق چیان و با رواج خرافات و سوء اطلاعات از رسانه های دروغپراکنی حکومتی در افتاد.

مقابله با کرونا با مبارزه با جمهوری اسلامی در هم تنیده شده است. در این مقابله سه محور اهمیت پیدا میکند: اول سازمانیابی در محلات و مناطق و بیمارستان ها در همه شهرها برای خودیاری و کمک رسانی. توده مردم و بویژه پزشکان و کارکنان بیمارستانها فی الحال خود دست بکار شده اند و در سطوح مختلف به جمع آوری و توزیع امکانات

ادامه در صفحه ۸

حکومت است. حکومتی که میکشد تا بماند. ویروس کرونا در ایران حکومت اسلامی را در کنار خود یافت و در مقابل، مردم نیز به سرعت فهمیدند که برای حفظ جانشان باید با ویروس کرونا و ویروس جمهوری اسلامی هر دو همزمان بجنگند.

امروز جامعه بعد از بهت و شوک اولیه به خود آمده است. اطلاع رسانی وسیعی بویژه از جانب پزشکان و پرستاران و دیگر کارکنان شریف بیمارستانها آغاز شده است، گروههای خودیاری و همیاری برای مقابله با کرونا همه جا در حال شکل گرفتن است، فعالین سیاسی و ایرانیان مقیم خارج کشور به یاری مردم در ایران برخاسته اند، مردم تعطیلی مدارس و دانشگاهها را به حکومت تحمیل کرده اند، دست از کار کشیدن آنها و به تعطیل کشاندن مراکز تولیدی نیز آغاز شده است.

از سوی دیگر حرکت گسترده ای از جانب مردم و خانواده زندانیان برای آزادی آنان به راه افتاده است. تحت فشار این حرکت حکومت ناگزیر شده است به هفتاد هزار زندانی مرخصی بدهد. اما این حرکت میتواند و باید تا آزادی تمام زندانیان سیاسی و مرخصی همه زندانیان

آفریند. فرق این فاجعه آخر با بقیه این است که رژیم این بار ویروس یک بیماری کشنده را نیز در کنار خود دارد. حکومت به بیماری کرونا نیز، مثل اعتراضات برحق مردم علیه گرانی بنزین، اعتراض به شلیک به هوایما و بزرگداشت یاد جانبختگانان، بعنوان یک موضوع سیاسی- امنیتی برخورد کرد. موضوعی که "دشمنان" علم کرده اند تا به کل "نظام" ضربه بزنند. گفتمان حکومتی ها، ار خامنه ای تا روحانی و تا آخوندهای ریز و درشت دیگر حول جدی نبودن این "بیماری کاذب"، تلاش دشمنان علیه نظام و "توطئه ترامپ علیه شهر مقدس قم" می چرخد. نگران همه چیز هستند بجز جان و زندگی مردم. ملقمه ای از دروغ و خرافات و کثافت و حماقت و وقاحت اسلامی را تحویل جامعه دادند، و وقتی دیگر نمی شد نفس فاجعه را انکار کرد، آمار کسانی را که با همدستی ویروس کرونا کشته بودند، عینا مانند کشتار آبانماه، به کمتر از یکدهم تقلیل دادند تا مگر ابعاد جنایتشان را بپوشانند. کرونا با مساله گرانی بنزین و شلیک به هوایما و نمایش انتخاباتی و غیره متفاوت است اما حکومت اسلامی همان

مسئولیتی، حتی در حرف و در ظاهر، در برابر جامعه و زندگی مردم ندارد. همه بروشنی دیدند که محور سیاستها و عملکرد حکومت و حتی هدف اعلام شده آن حفظ خود در قدرت است و بس. شلیک به قصد کشت به مردمی که به سه برابر شدن یک شبه قیمت بنزین اعتراض داشتند، و بدنبال آن معرکه عزاداری سردار جنایتکارشان که بمرگ هشتاد نفر زیر دست و پای جماعت کرایه ای منجر شد، و سپس بویژه شلیک عامدانه به هوایمای مسافری، همه نشان دهنده این واقعیت بود که حکومت به مردم به چشم دشمنان نظام نگاه میکند، برای حفظ خود در قدرت می جنگد، و در این جنگ از هیچ جنایتی فروگذار نمی کند. مردم نیز جمهوری اسلامی را نه بعنوان حکومت و یا دولت بلکه بعنوان دشمن خود می شناسند. بحران کرونا این واقعیت پایه ای را بار دیگر و به روشن ترین شکلی مورد تاکید قرار داد که در جامعه ایران جنگی برای بقا، بقای زندگی و انسانیت، در برابر بقای یک حکومت جنایتکار و فاسد در جریان است. یکبار دیگر این واقعیت برجسته شد که رژیم برای حفظ خود در قدرت فاجعه پس از فاجعه می

از جمله اقدامات حکومتی بوده است که به فاجعه حاضر شکل داده است. رژیم مساله کرونا را به موضوعی سیاسی- امنیتی تبدیل کرده و برای حفظ نظام و سلطه نکتب بار خود از آن سود می جوید.

از سوی دیگر بحران کرونا را باید بر متن و در ادامه جنبش سرنگونی طلبانه گسترده ای که بویژه در پنج ماهه اخیر اوج گرفته بود قرار داد و بررسی کرد. از این نقطه نظر نیز بحران کرونا در ایران با دیگر کشورها، نظیر چین و یا ایتالیا، کاملاً متفاوت است. فاجعه کرونا در امتداد فجایع دیگری رخ میدهد که در پنج ماه اخیر رابطه بین حکومت و مردم را تماماً متحول کرده است. شلیک به مردم معترض در آبانماه و شلیک به هوایمای مسافری، امروز با شلیک ویروس کرونا به کل جامعه به جنایات حکومت اوج تازه ای داده است. فاجعه کرونا نیز مانند فجایع قبلی دست ساز جمهوری اسلامی است. فاجعه ای که در یکسوی آن یک حکومت جنایتکار دروغگوی سرتاپا فاسد قرار دارد و در سوی دیگر آن جامعه بجان آمده ای که میخواهد از شر حکومت خلاص بشود. اپیدمی کرونا شکل این مقابله را تغییر داده است اما نفس این قطب بندی میان جامعه و حکومت را بمراتب شدیدتر و آشتی ناپذیر تر و گسترده تر کرده است.

خیزش آبانماه این واقعیت را صریح و عریان در برای چشم همگان قرار داد که حکومت اسلامی هیچ تعهد و

کرونا، محیط‌های کار و اعتصاب عمومی گفتگو با شهلا دانشفر



انترناسیونال: ابعاد فاجعه آمیز و دهشتناک اپیدمی کرونا به گفته پزشکان ایرانی و همچنین اخباری که مردم مخابره می‌کنند گویای از کنترل خارج شدن این بیماری مرگبار در ایران است. تقریباً اکثریت مناطق، آلوده شده و این ویروس ناباورانه جان‌ها را شخم می‌زند و کشتار می‌کند، در چنین شرایطی محیط‌های کار مراکز مستقیم اشاعه این بیماری و به خطر افتادن جان هزاران هزار کارگر و کارکنان این جامعه است. جمهوری اسلامی نیز اقدامی جدی در جهت تعطیلی عمومی کار در سطح جامعه نکرده و کارگران و بخش بزرگی از شاغلین جامعه ناگزیر به رفتن به کار هستند. علت مقاومت حکومت در برابر تعطیلی محیط‌های کار چیست؟

شهلا دانشفر: نفس اینکه جانیان اسلامی با وجود چنین ابعاد فاجعه باری از شیوع کرونا بر سر تعطیلی محیط‌های کار مقاومت میکنند و کارگران و بخش بسیاری از کارکنان جامعه زیر فشار گرسنگی و بی‌تامینی ناگزیرند به سر کار بروند یک جنایت آشکار از سوی رژیم اسلامی در قبال جان مردم است. واقعیت اینست که بدنیاال خیزش آبان و دی ماه و جلو آمدن جنبش دادخواهی مردم بعد از سقوط هواپیمای اوکراینی و به قتل رسیدن ۱۷۶ سرنشین آن

و اولتیماتوم‌های بسیاری از سوی کارگران از کارخانجات مختلف با خواست تعطیلی محیط‌های کار بودیم. در این رابطه میتوان به نمونه‌هایی چون ایران خوردو، راه آهن، آتش‌نشانی سقز، پالایشگاه بید بلند ۲ بهبهان، کارگران فاز ۲۰ و ۲۱ عسلویه و اخطار کارگران پیمانی در این منطقه ویژه اقتصادی بخاطر وضعیت اسفناک بهداشت در این مجموعه و در خوابگاه‌های کارگران، هپکو، کارکنان ادارات پست، مخابرات و شیلات بندر انزلی و پرستاران چندین بیمارستان و کارکنان آموزش و پرورش شهر رشت میتوان اشاره کرد. به این ترتیب در ایران مردم بطور واقعی دارند در کنار ویروس کرونا با جانیان اسلامی که خود عاملین شیوع این بیماری و ابعاد فاجعه بار انسانی آن هستند همزمان می‌جنگند. یک نمونه بارز آن ایران خودرو است. در این کارخانه در روز بیستم اسفند یکی از کارگران به نام احمد نعمت‌اللهی بدلیل ابتلاء به کرونا جانباخت و کارخانه به یک پارچه اعتراض تبدیل شد. و خبرها حاکی از ابتلای حداقل ۵ کارگر دیگر به این بیماری است. این در حالیست کارگران ایران خودرو از همان آغاز اخطار دادند و خواستار تعطیلی کارخانه شدند. اما مسئولین جنایتکار این مجتمع بزرگ کارگری نه تنها به آن تن ندادند بلکه بخاطر برنامه‌های سودجویانه خود ساعت کار کارگران را نیز افزایش دادند. و اکنون نیز علیرغم همه این اتفاقات دو شرکت اصلی سایپا و ایران خوردو در مقابل تعطیلی کارخانه مقاومت میکردند تا اینکه زیر فشار فضای انفجاری کارخانه، مدیریت تصمیم به تعطیلی کارخانه گرفته است و

تاریخ اجرای این تصمیم هنوز اعلام نشده است. نمونه دیگر از همین دست اتفاقی است که در مجتمع نیشکر هفت تپه شاهدیم. در آنجا مدیریت در برابر فشار کارگران برای تعطیلی کار برای اینکه کار نخواست و تولید و سودبری شان برقرار باشد، به جای تعطیلی کار، به جای ضد عفونی کردن محیط کار، بر سر و صورت کارگران سم می‌پاشند و کارگران که همه فکرشان تامین لقمه نانی برای خانواده است باتصور اینکه بلکه این راهی برای در امان نگاهداشتن آنها از ویروس کرونا باشد به آن تن میدهند. هر کدام از این اتفاقات کافیسست که حکومتی را با آن به مواخذه و پای میز محاکمه کشید. اما در میان همه اعتراضات کارگری در مقابل با ویروس کرونا و جانیان اسلامی دو نمونه فراخوان به اعتصاب سراسری و وادار کردن مدیریت به تعطیلی کارخانه با قبول پرداخت حقوق به کارگران الگویی موفق و سراسری برای همه کارگران است که گفتمان‌های آن باید سراسری شود. شورای هماهنگی اعتراضات کارگران راه آهن طی بیانیه‌ای در پانزدهم اسفند تمامی کارگران این بخش در شهرهای مختلف را در اعتراض به عدم پیشگیری از شیوع بیماری کرونا و برای خواست پرداخت دستمزدهای معوقه و تبدیل قراردادهایشان فراخوان به اعتصاب سراسری داد. در عکس‌العمل به این فراخوان حکومت اسلامی در هراس از گسترش این گفتمان به سطح جامعه و فلج شدن چرخ اقتصاد و از ترس به میدان آمدن سراسری کارگران فوراً برخی خطوط قطارهای مسافری را کنسل اعلام

کرد. نمونه دیگر فولاد اهواز است. با به پا شدن زلزله‌های اعتصاب در این مجتمع کارگری مدیریت با دادن گوشی به دست استاندار برای جلوگیری از این اتفاق تعطیلی شرکت را تا اطلاع ثانوی اعلام کرد و به کارگران قول پرداخت حقوق داده شده است. تعطیلی شرکت با قول پرداخت حقوق یک موفقیت برای این کارگران و یک راهکار برای همه کارگران و حقوق‌بگیران جامعه است. این اتفاقات نشانگر هراس رژیم از به میدان آمدن کارگران آنهم در کوران بحران کرونا و در مراکز چون فولاد اهواز است.

همه این اتفاقاتی که اشاره کردم بیش از پیش بر اعتصاب عمومی به عنوان یک راهکار عملی مهم در مقابل با کرونا و جنایتکاری‌های رژیم کرونا تاکید میگذارد. اعتصاب هم راهی برای حفظ جان کارگران و کارکنان این جامعه و هم به میدان آمدن مستقیم خود کارگران و مردم در تقابل با جانیان اسلامی است.

انترناسیونال: مردم در اوج ناامیدی از بی‌عملی و عدم مسئولیت رژیم، خود دست به اقدام زده و برای همیاری و کمک به همدیگر خودشان را در محلات و محلهای کار سازمان می‌دهند، ورودی شهرها را کنترل می‌کنند و اقداماتی از این نوع را در دستور کار خویش قرار می‌دهند در عین حال رژیم تلاش دارد مردم را مقصر اصلی سرعت اپیدمی نشان داده و مردم را با هم درگیر نماید. بنظر شما این سیاست رژیم را چگونه باید خنثی نمود؟

شهلا دانشفر: این هم بخشی از همان سیاست دروغ و فریب حکومت و مخفی

از صفحه ۳

کرونا، محیط‌های کار و اعتصاب عمومی

کردن حقایق از مردم است. جمهوری اسلامی حکومتی است در لبه پرتگاه از همین رو این حکومت افقی برای اداره جامعه ندارد. حکومت با این کارها و این نوع ادعاهای سخیف میکوشد از زیر بار مسئولیت در قبال جامعه شانه خالی کرده و به بساط چپاول و دزدی‌اش ادامه دهد. سران این حکومت فقط به دزدی‌ها و بستن بیشتر بار خود و خریدن چند صباحی بیشتر عمر برای حکومتشان می‌اندیشند. در مقابل مردم به این حکومت باور ندارند و حتی در کوران کرونا هم ایستاده‌اند و همانطور که اشاره کردید خودشان دست به کار شده و وارد میدان شده‌اند. در واقع اتحاد برای خلاصی از شر این وضعیت مردم را بیشتر متحد و همبسته کرده است و همانطور که اشاره کرده‌اید مردم خودشان ستادهای کمک‌رسانی‌شان را سازمان داده‌اند. ستادهایی که در محلات مختلف و به کمک مدیای اجتماعی شکل گرفته و دارند فعالیت میکنند و هر روز دامنه فعالیتشان گسترده میشود. در این ستادها اخبار کاذب جانین اسلامی بر ملا شده و اطلاع‌رسانی‌ها لحظه‌ای صورت میگیرد. در این ستادها پرستاران و بسیاری از دکترها در صف اول همیاری‌های مردمی قرار دارند. بسیاری از پزشکان و پرستاران امروز با ویدئو کلیپ‌های خود دارند مردم را راهنمایی میکنند و دکترانی را می‌بینیم که شماره تماس‌های خود را به مردم داده‌اند تا به رایگان اطلاعات لازم را به بیماران خود بدهند. اعلام

اعتصابات کارگری و اعتصابات مردمی که موضوع بحث ما در این گفتگو است، بخشی از همین وارد عمل مستقیم شدن خود کارگران و جامعه است که گفتمان‌ش دارد بیشتر وسعت میگیرد. در این فضا اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی مردمی با زمینه جلب همبستگی بیشتر اجتماعی روبرو است. خلاصه کلام اینکه اینها همه تصویر جامعه‌ایست که در جبهه جنگ با کرونا با حکومت نیز دارد می‌جنگد. به نظر من پاسخ در همین جدالی است که مردم با این رژیم دارند و رفتن بسوی اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی کل جامعه و وادار کردن حکومت به پاسخ دادن به خواسته‌های معیشتی مردم است. سیاست‌های مزورانه حکومت را با اعتراضی سراسری و متحد باید پاسخ داد. جمهوری اسلامی باید گوش را گم کند.

انترناسیونال:

کمونیست کارگری از همان اوان شیوع بیماری، فراخوان به اعتصاب عمومی و تعطیلی محیط‌های کار و مدارس و دانشگاه‌ها و غیره را داد. تا چه حد جامعه روی این خط سوار شده؟ آیا خواست اعتصاب عمومی خواستی واقعی و عملی در این شرایط است؟

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردم اعتصاب عمومی عملی‌ترین راه مقابله با کرونا و حکومت کرونایی است. اتفاقاتی که در همین دوره در سطح جامعه در تقابل با بحران کرونا از سوی مردم صورت گرفته است، جنب و جوش‌هایی که در مراکز کارگری در اعتراض به این موضوع به راه افتاده و فراخوانهایی که به اعتراض و اعتصاب داده شده و برخی را

و پیشگیری با بیماری خطر ناک کرونا. کارگران و همه مردم در سطح جامعه باید با چنین مطالباتی متحد و سراسری به میدان بیایند تا به بحران کرونا و این کشت و کشتار خاتمه دهند. وگرنه تردیدی نیست که کشتار در اثر این بیماری بیشتر و بیشتر خواهد شد. اعتصاب عمومی و تعطیلی کار در این شرایط فاجعه‌بار هم راهی برای حفظ جان کارگران و کارکنان این جامعه در برابر خطر اشاعه کرونا و هم ابزاری قدرتمند برای مقابله با جانین اسلامی است. طبقه کارگر باید با اعتصابات سراسری‌اش به میدان بیاید تا همچنان در جلوی صحنه سیاست جامعه بدرخشد و کل جامعه را از شر جهنم رژیم اسلامی رها کند.

انترناسیونال:

رئوس و خواست‌های مهم جنبش اعتصاب عمومی از نظر شما چیست؟ آیا با عملی شدن این مسئله امکان خلاصی و سقوط و بروس جمهوری اسلامی مهیا خواهد شد.

شهلا دانشفر: جلوتر به این سوال پاسخ دادم. اما اینجا از فرصت استفاده میکنم و در چند جمله نکات اصلی را جمع می‌بندم. اعتصاب عمومی و اعتصاب سراسری کارگران باید همراه با تامین معیشت باشد. همانطور که اشاره کردم دولت در قبال معیشت مردم مسئول است. باید به کارگران و همه کارکنان جامعه تا مادامیکه بحران

اشاره کردم، همه و همه بیش از پیش بر اعتصاب عمومی به عنوان یک راهکار مهم و ممکن در مقابله با کرونا و جنایتکاری‌های رژیم کرونا تاکید میگذارد. کارگران و مردم شاغل در این جامعه نمیتوانند ساکت بنشینند و اجازه بدهند که جانین اسلامی و دارو دسته‌های مفتخور سرمایه‌دارشان چنین با جان و زندگی مردم بازی کنند. مردم راهی جز عمل مستقیم خود و تعطیلی کار ندارند. تعطیلی کار خواست هم مردم است و کل جامعه روی این خط است. اما در کنار این موضوع مساله معیشت و زندگی مردم است. بسیاری از این مردم بخاطر اینکه در برابر گرسنگی و بی‌تامینی دوام بیاورند سر کار میروند. بنابراین معیشت مردم باید تامین شود و دولت در قبال آن مسئول است و این را باید با زور اعتراض سراسری و اتحاد مبارزاتی خود به حکومت تحمیل کنیم. اینجاست که فراخوان ما به اعتصاب عمومی و اعتصاب سراسری در تمامی مراکز کارگری است. برای تحمیل نیازهای معیشتی به این دولت نیز راهش همین است. باید با قدرت زور و اعتراض این رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرد. همانطور که کارگران فولاد اهواز وقتی صدای اعتراضشان بلند شد و بحث اعتصاب به میان آمد فوراً مدیریت و استاندار و مقامات استان به دست و پا افتادند و کار را تعطیل کردند و قول پرداخت حقوق هم به کارگران داده شد. اعتصاب عمومی و اعتصاب سراسری یعنی تعطیلی کار با پرداخت حقوق. یعنی تعطیل کار با درمان رایگان برای همه مردم و یعنی پاسخ دادن به نیازهای کارگران و همه مردم در مقابله

کرونا وجود دارد و کار تعطیل است مزد و حقوق خود را دریافت کنند. باید کارگران بیکار و همه کسانی که درآمد و شغلی ثابت ندارند و با مشاغل کاذبی چون کار فصلی و دستفروشی و کوله‌بری و غیره روزگار می‌گذرانند از بیمه بیکاری و مقرری ثابت برای گذران زندگی برخوردار باشند. باید همه مردم از درمان رایگان با استاندارد قابل قبول بخصوص در شرایط کنونی برخوردار باشند. باید همه محیط‌های کار و اماکن عمومی جهت پیشگیری از بیماری کرونا و هر بیماری مسری دیگری ضد عفونی و پاکیزه شود و تمهیدات لازم برای بالا بردن سطح بهداشت جامعه انجام گیرد. باید امکانات پیشگیری از کرونا به رایگان در اختیار همه مردم قرار گیرد. و اینها همه حقوق تک‌تک شهروندان جامعه است و میتواند رؤس خواسته‌های جامعه برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری باشد. اینها همه باید مضمون بیانیه‌های مطالباتی حداقلی کارگری و مردم در شرایط امروز در تقابل با کرونا باشد. فراخوان عمومی به کل جامعه اعتصاب عمومی و بلند کردن پرچم این خواست‌هاست. به باور من اعتصاب عمومی در سطح جامعه و اعتصابات سراسری ضربه محکمی بر پیکر این رژیم خواهد بود. با این کار جنبش سرنگونی گامی تحول‌ساز به جلو بر خواهد داشت.

انترناسیونال: با تشکر از شما

**برای رهایی از ویروس کرونا
باید از کرونای
جمهوری اسلامی رهایی یافت!**

**سرنگون باد حکومت
چپاول، دروغ و جنایت اسلامی**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

سیامک بهاری

توافق آمریکا و طالبان، آینده سیاسی افغانستان به کجا می‌رود؟



تحولات و نشیب و فرازهای سیاسی در افغانستان، معامله مستقیم آمریکا و طالبان تحت عنوان پروژه صلح و سازش تا اعلام همزمان دو رئیس جمهور در کشور، نشانه صریح عمق بحران ساختاری در قدرت سیاسی افغانستان است. تنش‌های سیاسی مدام بالا می‌گیرد و شعله‌ور می‌شود و ابعاد تازه‌ای از مناقشات سیاسی را در هرم مافیای قدرت در کشور سبب می‌شود. این بند و بست و معاملات و رقابت‌های سیاسی، سبب تحمیل بزرگترین مشقت و سیه روزی به مردم افغانستان، سرکوب بی‌رحمانه هر تلاش سیاسی و اجتماعی برای حتی تخفیف وضع موجود، گسترش فقر و فلاکت و آوارگی و فرار بی سابقه از کشور، کشته و زخمی شدن هزاران غیر نظامی و نظامی، از هم گسیختن شیرازه جامعه و باز گذاشتن دست توحش انواع جریان‌های ارتجاعی، قومی و مذهبی، همراه با ساختار غیرقابل باوری از تبهکاری و فساد مافیای حکومتی گردیده است.

با بر سر کار آمدن دونالد ترامپ، استراتژی ماندگاری آمریکا بعنوان قدر قدرت در

افغانستان تغییر کرد. این بار موضوع برای آمریکا نه فقط ماندن و یا رفتن نیروهای نظامی از افغانستان که چگونگی مدیریت و حفظ امنیت منافع استراتژیک آمریکا و متحدین آن در منطقه در میانه رقابت‌ها، اتحادها و دسیسه‌های بی پایان، از روسیه و پاکستان و هندوستان تا دست درازی مداوم جمهوری اسلامی ایران و عربستان و همه کارگزاران آشکار و پنهان است. این رویکرد در کنار ناتوانی دولت‌های دست نشاندۀ آمریکا در افغانستان و تبعات ناشی از آن، تغییر موازنه استراتژیک آمریکا با طالبان را شکل داد.

یک جریان هار تروریستی اسلامی، متحد و پشتیبان القاعده، که ضد آمریکایی‌گری و غرب ستیزی بخش قابل توجهی از فلسفه وجودی‌اش را تشکیل می‌دهد، برای دومین بار در تاریخ سیاسی افغانستان از حاشیه به متن سیاست کشانده شد. با مهندسی آمریکا در قطر صاحب مقر و دفتر و دستک شد. رسماً و به نام امارات اسلامی طالبان وارد مراودات دیپلماتیک منطقه شد. ظرف مدت کوتاهی در اثر مماشات و بند و بست‌های محرمانه و ناتوانی حکومتی، با پیشروی نظامی به بیش از ۶۰ درصد خاک افغانستان مسلط گردید. آمریکا در بزرگنمایی قدرت طالبان تا آنجا پیش رفت که آنرا نیرویی "شکست ناپذیر" جلوه داد و راه ناهموار سازش و مذاکره و معامله با طالبان علیرغم تشدید تهاجم نظامی و تروریستی، هموار شد. ملا عبدالغنی برادر از رهبران تعیین کننده این جریان تروریستی، به تقاضای آمریکا، از زندانی در پاکستان آزاد گردید و مستقیماً به دوحه در



قطر منتقل شد و به عنوان رئیس دفتر سیاسی طالبان، نقشی محوری در مذاکرات ایفا کرد.

در عمل و بصورت واقع مضمون سیاسی مذاکرات و به اصطلاح نقشه راه سیاسی چیزی شبیه توافقات در کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ است. این توافقات، نقشه سیاسی مذاکرات به اصطلاح بین‌الافغانی را از همین حالا تعیین می‌کند. دولت سازی با طالبان مسیر و جهت آینده است. دو مرحله‌ای بودن خروج نیروهای نظامی خارجی از افغانستان عملاً بعنوان شرط توافق تعیین شده است. توافقی بسیار شکننده که هر آن می‌تواند در نیمه راه متوقف شود. این مسیری است که در توافقات بعدی حکومت با طالبان نیز به کرات تکرار خواهد گردید.

اگرچه در توافقنامه میان آمریکا و طالبان گفته شده که آمریکا گروه طالبان را به عنوان دولت به رسمیت نمی‌شناسد. پس از ۱۸ ماه چانه زنی و باز گذاشتن دست طالبان در هر جنایتی که برای ابراز قدرت و تحکیم موقعیت لازم داشتند، معامله جوش خورد و در چهار محور اصلی آن رونمایی شد.

۱- طالبان ضمانت عملی بدهد که از خاک افغانستان از سوی هیچ جریانی علیه

امنیت آمریکا و متحدینش اقدامی صورت نگیرد.

۲- آمریکا و متحدین آن با یک برنامه زمانی معین ۱۴ ماهه از خاک افغانستان خارج خواهند شد.

۳- در پی این ضمانت، مذاکرات بین‌الافغانی طالبان با حکومت فعلی آغاز گردد.

۴- آتش‌بس دائم در پس توافقات بین‌الافغانی معین شود. بسیار واضح است که این توافق علیرغم ادعای آمریکا، طالبان را بعنوان یک حکومت به رسمیت می‌شناسد و با آن به توافق میرسد. طالبان تعهد کرده است برای جلوگیری از استفاده از خاک افغانستان توسط گروه‌های مختلف به اعضای خود، از جمله القاعده اجازه نخواهد داد تا از خاک افغانستان برای تهدید آمریکا و متحدان آن استفاده کنند. با گروه‌هایی که تهدیدی برای آمریکا محسوب می‌شوند همکاری نمی‌کنند.

حال پس از این معامله، نوبت حکومت افغانستان می‌رسد که پس از آمریکا برای چانه زنی در تقسیم قدرت وارد مذاکره گردد. تا اینجا طالبان خود را برنده همه عرصه‌ها می‌دانند. با این تفاوت که این بار در نقش متحد آمریکا پای میز مذاکره با حکومت فعلی افغانستان خواهند نشست.

چرا دو رئیس جمهور؟

مضحکه انتخابات در افغانستان و عدم شرکت بخش وسیعی از واجدین شرایط رأی دهی و شش ماه تعویق در شمارش آراء، از سیزده میلیون واجدین شرایط رأی حدود یک میلیون و دویست هزار نفر آتهم با سیصد هزار رأی غیرقابل تأیید، یعنی در واقع نهمصد هزار رأی به اصطلاح واقعی به صندوق ریخته شده، خود نمایانگر اختلافات و کشمکش مافیای قدرت برای کسب موقعیت سیاسی در پسا مذاکره آمریکا با طالبان است. نتیجه به نفع اشرف غنی اعلام شد و عبدالله عبدالله رقیب دیگر، شکست را نپذیرفت و برای ماندن در قدرت تهدید کرد که او هم همزمان اعلام ریاست خواهد کرد. با میانجیگری زلمی خلیل‌زاد فرستاده ارشد آمریکا، تقسیم قدرت به نفع اشرف غنی بعنوان رئیس جمهور و عبدالله بعنوان ریاست شورای عالی صلح و خروج از قدرت اجرایی کشور، مورد قبول واقع نشد و دو رئیس جمهور همزمان اعلام ریاست کردند. بلشوی و از هم گسیختگی در هرم مافیای قدرت از این عیان‌تر ممکن نبود. قدم‌سلم است که آمریکا غنی را رئیس

انقلاب عراق ادامه دارد

گفتگو با عصام شکری از
حزب کمونیست کارگری
چپ عراق



انترناسیونال: عصام شکری اخبار مربوط به اعتراضات و تظاهرات توده ای در عراق در هفته های اخیر تا حدودی تحت الشعاع خبرهای مربوط به کرونا قرار گرفته است. ممکن است بگویید مهمترین رویدادهای روزها و هفته های اخیر کدامها بوده است؟

عصام شکری: فضای تظاهرات و اعتراض همچنان در همه جا مسلط است. در بغداد، ناصریه، بصره و دیگر شهرها. در همین روزها به مناسبت روز جهانی زن، هزاران زن به خیابان آمدند و این روز را گرمی داشتند. بزرگداشت این روز توام با خشم برعلیه وضعیت موجود بود. تظاهرات و اعتراضات هم چنان با قدرت جریان دارد. خواسته های مردم برای سرنگونی جریانات مذهبی و قومی و دیگر جریانات ناسیونالیستی هم چنان پا برجاست. اخیرا نخست وزیر که توسط جریان مقتدا صدر نامزد شده بود استعفا داد. مدتی قبل از انتخابش، چندین گروه مسلح منتسب به جریان صدر، معروف به گروه های کلاه آبی، با چاقو و باتوم به چادرهای معترضینی، که به نامزدی محمد علاوی مخالفت کرده و او را جزو دم و دستگاه فساد به حساب آورده بودند، حمله کرده بودند.

اوباشان طرفدار صدر به چادر انقلابیون حمله برده و رستوران ترکی را که به سمبل انقلاب در بغداد تبدیل شده بود محاصره کردند. آنها هم چنین تعدادی از انقلابیون را مورد ضرب و شتم قرار داده بطوری که انقلابیون برای حفظ جان خود مجبور به ترک ساختمان شدند. این مسله مربوط به یکماه پیش است ولی اثرات آن دوباره خود را نشان میدهد. بعد از انتخاب علای بیعنوان نخست وزیر و برای حفظ وضع موجود او تحت فشار گروههای سیاسی و مسلح مختلف مجبور به استعفا شد. این مسله باعث بوجود آمدن یک خلاء قدرت تظاهرات در بغداد و دیگر استان ها هنوز بنظر نمیرسد که بخاطر شیوع کرونا ضعیف شده باشد. انقلابیون و معترضین نه تنها مورد اصابت گلوله های گروه های مسلح اسلامی قرار گرفته اند بلکه جریانات طرفدار صدر متهم به اختلال در تظاهرات شده اند، اگرچه من از این مسله کاملا مطمئن نیستم.

انترناسیونال: وسعت و شرکت مردم در اعتراضات تا چه اندازه است؟ آیا هیچ اطلاعاتی از اینکه چه بخشهایی از مردم شرکت بیشتری در تظاهرات داشته اند وجود دارد؟

عصام شکری: آنچه که در این تظاهرات و هم چنین در این انقلاب چشم گیر بوده است شرکت بیسابقه زنان جوان است. شاید بتوان گفت بعد از نیمه دوم قرن بیستم و بخصوص از زمان حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ شرکت زنان در این ابعاد بیسابقه بوده است. تظاهرات زنان در میدان تحریر و اطراف آن در چند روز پیش نشان داد که زنان و

دانشجویان زن نه تنها دنباله رو هیچ کسی نیستند، بلکه آنها سمبلها و نمایندگان راستین انقلاب اند. من در یک پستی اشاره کرده بودم که زنان قلب انقلاب عراقند. زنان برنهایی را با خود حمل میکردند که بر روی آنها نوشته بود که زنان روح انقلابند. اینها نشاندهنده حضور زنان در انقلاب و اینکه زنان برای رسیدن انقلاب به اهدافش بر علیه آپارتاید جنسی بسیار مصمم هستند. بطور کلی باید توجه ها را به این مسله جلب کنم که انقلاب در عراق یک انقلاب زنانه است. از ابتدا ما گفتیم که انقلاب بدون زنان انقلاب نیست. دختران جوان به خیابان میآیند تا بر علیه گروه های مسلح اسلامی، فلاکت، فساد، مافیا و جامعه مرد سالاری که توسط جمهوری اسلامی حمایت میشود مبارزه کنند؛ مبارزه ای بر علیه سیستم سرمایه داری و برنامه آن. علاوه بر شرکت وسیع زنان، تظاهرات و اعتراضات اقشار دیگری نظیر بیکاران، کارگران، شاغل، دکتراها، معلمان، استادان دانشگاه، دانشجویان و زحمتکشانی که زیر خط فقر زندگی میکنند را شامل میشود. جنبش دانشجویان اخیرا نقش مهمی را ایفا کرده است. دانشجویان شعارهایی در افشاگری دزدان حاکم، خواست جدایی دین از دولت و هم چنین شعارهایی که نقش ملایان و اوباشان اسلام سیاسی را برملا میکند سرمیدهند.

من هم چنین متوجه شدم که خشم مردم تا حد زیادی متوجه جریان صدر میباشد. جریان صدر بارها و از سال ۲۰۱۱ تلاش کرده است که در تظاهرات مردم نفوذ کند تا بتواند از درون آن را خراب کند. اما الان دیگر بصورت



قلدرانی که علنا به تظاهرات حمله کرده و مردم را با خنجر و کارد میکشند ظاهر میشوند. از نظر سیاسی تظاهرکنندگان خواهان پایان یافتن حاکمیت گروه های شبه نظامی و زندگی در یک جامعه نرمال هستند. وقتی مردم شعار می دهند ' من یک کشور میخواهم' اشاره به همین مسله دارند؛ خواسته هایی نظیر دسترسی به آب آشامیدنی، برق، خدمات عمومی و خاتمه دادن به فساد- خواسته هایی که خیزش مردم با آنها شروع شد.

انترناسیونال: اشاره ای کردید اما اگر ممکن است در مورد خواسته های مردم بیشتر توضیح دهید.

عصام شکری: در حال حاضر خواست مردم محاکمه آنها نیست که به سمت مردم بید فاع تیر اندازی کردند و هم چنین افسرانی که دستور تیر اندازی داده اند میباشد. دیروز متاسفانه یک ناجوان ۱۳ ساله با یک گلوله جدیدی که موقع اصابت به هزاران تکه تبدیل میشود مورد اصابت

قرار گرفت. معترضین خواهان حساسی از جنایتکاران و تروریستهایی هستند که دوستان، خویشاوندان و همکلاسیهایشان را هر روز به قتل میرسانند. در هنگام تقابل اخیر بین آمریکا و جمهوری اسلامی، درست بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی توسط آمریکا، مردم عراق خواهان خروج همه نیروهای خارجی بخصوص جمهوری اسلامی که بطور واقعی زمام امور در عراق را در دست داشت شدند. مقتدا صدر از این تظاهرات سوء استفاده کرده و تلاش نمود که توجه مردم را فقط به خروج نیروهای آمریکایی معطوف نماید. مردم به این حقه بازی صدر پی بردند و بزودی توانستند با خواسته های اولیه میدان تحریر که همان اخراج همه نیروهای خارجی منجمله جمهوری اسلامی و نیروهای آمریکایی بود دوباره کنترل این میدان را بدست بگیرند. همانطوریکه ملاحظه میکنید شعارها و خواسته های مردم از خواسته های اقتصادی فرا

ادامه در صفحه ۷





شما حالا میتوانید ببینید که مرد وزن در بغداد دوست هستند و نه ارباب و رعیت. حالا، آنچه که ما باید به آن بپردازیم این است که چگونه میتوان تمام نیروهای در خیابان را بر علیه آن نیروهای وحشی 'منطقه سبز' متحد کرد تا بتوان با کسب قدرت سیاسی آن تراژدی را برای همیشه از بین برد. پاسخ به این مسله در گروه این است که آینده مبارزه طبقاتی در عراق، لبنان و بزودی در ایران چگونه رقم خواهد خورد.

انترناسیونال: با تشکر از شما (از محمد کاظمی که این مصاحبه را برای انترناسیونال از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده تشکر میکنیم)

بنظر من، مهمترین دست آورد انقلاب در عراق و لبنان باز گرداندن هویت انسانی به مردم صرفنظر از آنکه طبقه سرمایه دار میخواهد آنها را به چه مذهب، قوم و ملیت و جنسیتی منتسب کند میباشد. در آخرین اعلامیه های ما، حزب ما شعار 'تمام قدرت به تحریر' را عنوان کرد. این به این معنا است که طبقه سرمایه دار که توسط شبه نظامیان اسلامی نمایندگی میشود دیگر در جامعه جایی برای ابراز وجود ندارد. قدرت در میدان تحریر است. این بدان معنا است که دوره جدیدی شروع شده است که در آن مردم شهروند یک جامعه هستند و نه منتسب به هویت های ساختگی مذهبی، قومی و ملیتی و جنسیتی.

ریشه دوانده است. در حال حاضر یک مبارزه بین مردم در خیابان و اسلام گرایان وجود دارد. بنظر من اسلام سیاسی در حال احتضار است. موقع آن رسیده است که در عراق، در لبنان، در ترکیه و در همه جا آنرا جارو کرد. اما صحنه اصلی نبرد بین مردم و اسلام سیاسی هنوز در ایران است. بنظر من چشم انداز یک انقلاب سکولار که کل منطقه را جارو کند کاملا در دسترس است. آتیهیکه در قدرت هستند مردم انقلابی را شکنجه و اذیت و آزار میدهند، آنها را ترور میکنند و یا بقتل میرسانند اما دوران اسلام سیاسی بسر رسیده است و زمان آن رسیده است که از شر آن خلاص شد. بربریت دیگر نمیتواند بر مردم متمدن حکم روايي کند.

لیست کمکهای مالی

فرشاد حسینی ۲۰۰ یورو	کرون	فرشاد حسینی ۲۰۰ یورو	کرون
هوشیار سروش ۵۰۰ یورو	کرون	هوشیار سروش ۵۰۰ یورو	کرون
جلیل جلیلی ۱۰۰ پوند	کرون	جلیل جلیلی ۱۰۰ پوند	کرون
گلی استکهلم ۲۰۰ یورو	کرون	گلی استکهلم ۲۰۰ یورو	کرون
نوید محمدی ۵۰ یورو	کرون	نوید محمدی ۵۰ یورو	کرون
داود ارام ۲۰۰ دلار	کرون	داود ارام ۲۰۰ دلار	کرون
صدف خوش نیا ۱۰۰ دلار	کرون	صدف خوش نیا ۱۰۰ دلار	کرون
بابک یزدی ۱۰۰ دلار	کرون	بابک یزدی ۱۰۰ دلار	کرون
فریده ارمان ۱۰۰۰ یورو	کرون	فریده ارمان ۱۰۰۰ یورو	کرون
مراد شیخی ۱۰۰۰ یورو	کرون	مراد شیخی ۱۰۰۰ یورو	کرون
پری رشیدی ۱۰۰۰ یورو	کرون	پری رشیدی ۱۰۰۰ یورو	کرون
کایسا استکهلم ۲۰۰ یورو	کرون	کایسا استکهلم ۲۰۰ یورو	کرون
آذر پویا ۵۰۰ یورو	کرون	آذر پویا ۵۰۰ یورو	کرون
محمد سعید نادری ۱۵۰ یورو	کرون	محمد سعید نادری ۱۵۰ یورو	کرون
یدی محمودی ۵۰ دلار	کرون	یدی محمودی ۵۰ دلار	کرون
بهرام کلاه زری ۵۰ دلار	کرون	بهرام کلاه زری ۵۰ دلار	کرون
حمید سایه ۵۰ یورو	کرون	حمید سایه ۵۰ یورو	کرون
سوسن صابری ۵۰۰ یورو	کرون	سوسن صابری ۵۰۰ یورو	کرون
سیامک بهاری ۱۰۰۰ یورو	کرون	سیامک بهاری ۱۰۰۰ یورو	کرون
اندیشه علیشاهی ۵۰۰ یورو	کرون	اندیشه علیشاهی ۵۰۰ یورو	کرون
عباس ماندگار ۲۰۰ دلار	کرون	عباس ماندگار ۲۰۰ دلار	کرون
رحیم یزدانپرست ۱۰۰۰ یورو	کرون	رحیم یزدانپرست ۱۰۰۰ یورو	کرون
سیروان قادری ۵۰۰ یورو	کرون	سیروان قادری ۵۰۰ یورو	کرون
عظیم ماتو ۵۰ یورو	کرون	عظیم ماتو ۵۰ یورو	کرون
پهروز مهرآبادی ۱۰۰۰ یورو	کرون	پهروز مهرآبادی ۱۰۰۰ یورو	کرون
سیما بهاری ۲۰۰۰ یورو	کرون	سیما بهاری ۲۰۰۰ یورو	کرون
صابر رحیمی ۵۰۰ یورو	کرون	صابر رحیمی ۵۰۰ یورو	کرون
نازنین برومند ۵۰ دلار	کرون	نازنین برومند ۵۰ دلار	کرون
امیر زاهدی ۱۰۰ دلار	کرون	امیر زاهدی ۱۰۰ دلار	کرون
محمد کاظمی ۵۰ یورو	کرون	محمد کاظمی ۵۰ یورو	کرون
نسان نودیپیان ۱۰۰ یورو	کرون	نسان نودیپیان ۱۰۰ یورو	کرون
حیدر گوئیلی ۵۰ یورو	کرون	حیدر گوئیلی ۵۰ یورو	کرون
امیر توکلی ۳۰۰ یورو	کرون	امیر توکلی ۳۰۰ یورو	کرون
شهاب بهرامی ۵۰۰ یورو	کرون	شهاب بهرامی ۵۰۰ یورو	کرون
سارا و هرمز ۱۵۰۰ یورو	کرون	سارا و هرمز ۱۵۰۰ یورو	کرون
کمیته علیه اعدام ۵۰ یورو	کرون	کمیته علیه اعدام ۵۰ یورو	کرون
عزیزه لطفی ۵۰ یورو	کرون	عزیزه لطفی ۵۰ یورو	کرون

اجتماعی و نه بطور ایدئولوژیک، قوی ترین گرایش در جامعه است. هرآن چه که ما سالها خواهان آن بودیم الان در کف خیابان و در مدیای اجتماعی قابل مشاهده است و بازتاب یافته است. منظور من در اینجا فوران آگاهی مردم در جامعه است. این مشاهده، من را به یاد قانون دیالکتیک هگل می اندازد که در آن تغییرات کمی به یک جهش کیفی تبدیل میشوند.

حزب ما از سال ۲۰۰۳ در حال مبارزه در جامعه بوده است. روزنامه های ما، مصاحبه های تلویزیونی، اعلامیه ها، مطالبات برای سکولاریسم و آزادی زنان، پیشنویس مطالبات سکولاریزاسیون، همبستگی کارگری، سوسیالیسم و اومانیسم و دیگر فعالیت های ما همگی آهسته و پیوسته منجر به این انفجار در جامعه شده است. منظور من این است که ما واقعا آمال و آرزوی مردم عراق را نمایندگی کردیم.

ما گرایش کمونیسم کارگری را در همه جنبش های اجتماعی ضد سرمایه داری نظیر مبارزه برای سکولاریسم، جنبش برای آزادی زنان، جنبش انسانگرایانه کارگری میبینیم. من میتوانم بگویم وقتی مردم خواهان برقراری سکولاریسم در جامعه هستند در اصل دارند پرچم ما را بلند میکنند. در هر فریاد اعتراض و در هر چالش به گلوله های شبه نظامیان، شما میتوانید این روند را مشاهده کنید.

انترناسیونال: چشم انداز و آینده این جنبش را چگونه میبینید؟

عصام شکری: انقلاب یک روند پیشرونده است. اکنون دیگر آگاهی انقلابی در میان مردم عراق و همچنین لبنان

از صفحه ۵

انقلاب عراق ادامه دارد

تر رفت. مردم خواهان محاکمه جنایتکاران، تعقیب مفسدین، و وزیر کشیدن همه نیروهای ارتجاعی هستند.

انترناسیونال: تا چه اندازه مردم در این جنبش متشکل و سازمان یافته هستند؟

عصام شکری: تا آنجاییکه من اطلاع دارم بیشتر این تظاهرات توسط نیروهای مشخص سیاسی که قدرت بسیج زیادی در میان مردم داشته باشند سازماندهی نشده اند. ما شاهد پرچم مشخصی که مردم بدنبال آن راه پیمایی کنند و یا از آن الهام گرفته باشند نیستیم. اما سازمان های محلی ای وجود دارند که با هدف سازماندهی تظاهرات و راه پیمایی و تدارک آب و غذا و مواد داروئی به مجروحین فعالیت میکنند. اما باید به این مسله هم توجه داشته باشیم که جامعه مدنی عراق بطور کلی از هم پاشیده شده است. جامعه ای که مردم آن درگیر جنگ های قومی، فرقه گرایانه، بحران کمبود آب آشامیدنی، بحران کمبود برق و مواجه با کشتار دسته جمعی توسط داعش بوده اند. جامعه عراق هنوز از هجوم آمریکا که در نتیجه آن جامعه مدنی از هم پاشیده شده بود التیام نیافته است. بهین خاطر انقلاب مردم عراق بر علیه تمامی سیاست های تفرقه افکنانه مذهبی، قومی و جنسیتی میباشد. این انقلاب میرود که هسته یک جامعه مدنی را بوجود آورد.

انترناسیونال: کدام گرایش سیاسی در این جنبش فعال و یا دست بالا را دارند؟

عصام شکری: بنظر من کمونیسم کارگری، بطور

مراد مکوندی

**"در خانه بمانید!"
خرده فرمایش**

تبلیغات جورواجوری از رسانه های رژیم شنیده می شود. از ویروس «منحوس» تا «چندان بزرگش نکنید» تا خرافه درمانی های آیت اله ها و در راس شان خامنه ای که او هم دعا و زیارت عاشورا و توسل به امامان شیعه را پیش کشید تا تعطیلی نماز های جمعه که میتینگ هفتگی مروجان خرافه و خشونت علیه مردم است تا انتی باکتریال بودن ضریح امام زاده ها از یک طرف و توصیه های وزیر بهداشت و معاونان و پزشکان حلقه ی حکومت که میان امر و نهی مانده اند و تعطیلی مدارس و دانشگاه ها و آمارهای دروغین و سانسور شده ی دولتی و شعارهای قرنطینه کردن و

پیام های بهداشتی که از رادیو تلویزیون حکومتی پمپاژ می شود، تا لغو سخنرانی روز اول فروردین خامنه ای در مشهد و مبتلا شدن فلان وزیر و فلان معاون و نماینده ی مجلس بی رمق شده و اعلام خوشحالی آن ها از صدا و سیما و پیام روحانی مبنی بر اینکه از شنبه ی آینده کارمندان به ادارات برگردند، بلشوی راه انداخته اند که بیا و ببین!

جالب تر از همه ی این ها، پیام دیگری است که می گوید: در خانه بمانید و بیرون نیابید! ظاهرا مخاطب این پیام، خودشان هستند که بنابر اخبار منتشر شده، در ویلاهای لاکچری و در نقاط خوش آب و هوا در حال استراحت اند.

تا آنجا که به کسبه و کارگر و راننده ها و دستفروشان و فروشندگان جز و بساطی ها برمی گردد،

در خانه ماندن بیشتر به جوک شبیه است تا به توصیه ی حکومتی. از طرف دیگر، حکومت جرات ندارد و نمی خواهد شهرها را قرنطینه کند، چونکه در انصورت باید آب و نان مردم خانه نشین شده را بدهد، و نمی خواهد بدهد.

مردم می پرسند اگر بیست روز، یک ماه در خانه بمانیم، چه کسی اجاره ی مغازه و خانه ی ما را می پردازد؟ چه کسی جواب چک های ما را می دهد؟ چرا جای دور برویم؟ قبض های سرسام آور آب و برق و گاز و تلفن را چه کسی می پردازد؟ در خانه ماندن مگر شوخی است؟

صدای فریاد مردم بلند شده است. مردم مطالبه دارند. مردم می گویند:

۱- دولت باید از دریافت وجوه قبض های برق و آب و گاز و تلفن از زمان شروع کرونا تا برطرف شدن واقعی

آن صرف نظر کند. ۲- دولت باید تمام شهر و خیابان و کوچه و محله و کارخانه و اداره و ساختمان ها را از طریق سمپاشی های اساسی و استاندارد، ضدعفونی کند.

۳- دولت موظف است تا زمان برگشت رونق به کسب و کارها، بانک ها را از برگشت زدن چک های بدهکاران و وصول اقساط وام ها منع کند.

۴- دولت باید تمام زندانیان و سربازان را مرخص کند.

۵- دولت باید به همه ی کسانی که بواسطه ی کرونا و بی رونقی کسب و کار، اخراج و یا بیکار شده اند، بیمه ی بیکاری مکفی بپردازد.

«در خانه بمانید!» که روی هوا و به میل روحانی و خامنه ای و فرماندهان سپاه صورت نمی گیرد، خرج دارد. دولت باید به جای دزدی

های آهوان و انصار و نورچشمی ها و آقا زاده ها و بیت آیت اله و موزه ها، در چنین مواقعی سر کیسه را شل کند، نه آنکه خواهش های بیجا کند.

حکومت می خواهد با خانه نشین کردن مردم، دهان شان را ببندد تا کار نخواهند، نان نخواهند، رفاه نخواهند، خوانخواهی و دادخواهی کشته شدگان اعتراضات آبان را نکنند، قتل عامدانه ی مسافران هواپیمای اوکراینی را فراموش کنند. اما مردم در مقابل حکومت به عنوان کرونایی عظیم تر قرار گرفته اند، و می خواهند ریشه ی کرونای اسلامی در ایران را بخشکانند و خاورمیانه و جهان را از لوٹ وجود این جرثومه ی نکبت پاک کنند.*

و دانشجویان و سایر جنبشهای اعتراضی است که قدم بمیدان بگذارند و توده مردم را برای درهم شکستن هیولای کرونا و حکومت کرونا آماده و بسیج کنند. تعطیل مراکز شغلی و مراکز تولیدی و سازماندهی اعتصاب عمومی در کنار سازماندهی ارگانهای خودیاری و مردم نهاد و مجبور کردن حکومت به تامین معیشت مردم و بویژه اقشار آسیب پذیر جامعه، در محور این فعالیتها قرار دارد. حزب کمونیست کارگری با تمام توان خود در این جهت حرکت میکند و همه احزاب و نیروهای آزادیخواه را به حرکت در این جهت فرا میخواند.

۱۱ مارس ۲۰۲۰

تشدید بحران فقر و شرایط غیر قابل تحمل معیشتی، یک انفجار اجتماعی کاملا محتمل است. باید خود را برای چنین شرایطی نیز آماده کرد. در چنین صورتی ارگانهای خودیاری محلی، شبیه ارگانهای کنترل محلات در خیزش آبان، به شکل ستادهای مبارزاتی عمل خواهند کرد و این یک وظیفه مهم احزاب و نیروهای سیاسی آزادیخواه است که سازماندهی چنین ارگانهایی را در دستور کار خود قرار بدهند. اعتصاب عمومی نیز وجه مهم دیگری از مبارزات کارگران و کارکنان در شرایط اوجگیری مجدد خیزش توده ای است.

از همین امروز این بعهده احزاب و نیروهای رادیکال و چهره ها و فعالین و نهادهای جنبش کارگری، جنبش زنان

اینست که جامعه با کمترین تلفات این بحران را از سر بگذرانند و متحد و همبسته تر و متشکل تر در برابر حکومت قد علم کند. این تماما به تلاش و مبارزه ما مردم در دل همین شرایط بستگی دارد. دیگر مسائل و مصائب توده مردم، فقر و بیکاری و گرانی و تبعیض و بیحقوقی و سرکوب، همچنان بیداد میکنند و زندگی مردم را در هم میفشارد. بحران کرونا این مسائل را کنار نزده بلکه بمراتب شدیدتر و گسترده تر کرده است.

بر متن این شرایط این احتمال وجود دارد که بحران کرونا خود به یک خیزش و شورش توده ای، خیزشی بمراتب گسترده تر از خیزش آبانماه، منجر بشود. هیچ جامعه ای خودکشی نمیکند. با تشدید بحران کرونا و

بخاطر بحران کرونا قادر به تامین ابتدائی ترین نیازهای خود نیستند. بهداشت و درمان باید تماما رایگان شود، خانواده هایی که در اثر شیوع کرونا نان آور خود را از دست داده اند و یا در شرایط معیشتی دشوار قرار گرفته اند باید مورد حمایت قرار بگیرند و زندگیشان تامین بشود و مردم باید از پرداخت قبض های آب و برق و تلفن و گاز و قسط های بانکی معاف شوند. بویژه آسیب پذیرترین بخشهای جامعه از جمله کارگران بیکار، کارتن خوابها، دستفروشها، و کودکان کار و خیابان باید مورد حمایت مالی قرار بگیرند. این خواستها را میتوان و باید به حکومت تحمیل کرد.

بحران کرونا بالاخره فروخواهد نشست. مهم

صفحه ۸

کرونا و شرایط ...

شغلی و تجمع و سازماندهی اعتصاب عمومی هم بمنظور مصون داشتن جامعه و هم برای اعمال فشار به حکومت. هم اکنون بدنال بالا گرفتن گرفتار اعتصاب در میان کارگران مجتمع فولاد اهواز، این مجتمع تا اطلاع ثانوی و با قول پرداخت کامل حقوق تعطیل اعلام شده است و بخش هایی از راه آهن از جمله خط مشهد به اهواز نیز بدنال فراخوان کارگران راه آهن در پانزدهم اسفند به اعتصاب تعطیل شده است. این حرکت باید ادامه پیدا کند و به همه مراکز تولیدی گسترش یابد.

سوم مجبور کردن حکومت به برآورده کردن نیازهای معیشتی مردمی که

از صفحه ۵

توافق آمریکا و طالبان، آینده سیاسی افغانستان به کجا می‌رود؟

جمهور می‌داند و نمی‌خواهد عبدالله را بعنوان نماینده جریانات جهادی سابق از دست بدهد. اما توافق آمریکا با طالبان و انتخاب اشرف غنی بعنوان ادامه دهنده مصالحه با طالبان، عبدالله و تیم او را در قدرت سیاسی حاکم لازم ندارد. مقاومت عبدالله و جهادی‌های سابق دقیقا از این ناشی می‌شود که عملا میان فشار طالبان و مافیای اشرف غنی ناچارند به موضع اپوزیسیون ضعیف و بی‌آینده‌ای اسباب کشی کنند. برای طالبان که سرمست توافت با آمریکا هستند، این اقتضای سیاسی مانند مانده آسمانی در مذاکرات به اصطلاح بین‌الافغانی پیش رو است. اینکه چانه زنی آمریکا و متحدین آن با این دو جناح در ارگ و سپیدار به کجا منتهی خواهد شد، در عمل نشان می‌دهد که تقسیم قدرت در اداره کشور توسط این مافیا تا کجا عمق پیدا کرده است. در وقت خودش در زمان انتخابات، جامعه نشان داد که

به هیچ‌کدام از جناح‌های حکومتی و شخصیت‌های آن اعتماد ندارد و آنها را بعنوان حاکمیت و دولت به رسمیت نمی‌شناسد.

اکنون اما عملا چهار دولت برای حاکمیت در افغانستان خیز برداشته‌اند. امارت اسلامی طالبان که بر ۶۰ درصد خاک افغانستان عملا حاکمیت دارد. اشرف غنی و عبدالله مدعی هستند که بر بخش دیگری از ۴۰ درصد کشور تسلط دارند و نیز دولت اسلامی "داعش" هم بر قسمت‌هایی که توانسته از دست رقبای طالب بیرون بیاورد حاکم است.

این جهنمی است که آمریکا و متحدین از کنفرانس ون، تا کنون پس از نوزده سال حضور نظامی و صرف میلیاردها میلیارد هزینه نظامی و لجستیک و بزن و بکوب روی دست مردم افغانستان گذاشتند و حالا بار سفر می‌بندند و جامعه زخمی و مصیبت دیده را درست‌تر تحویل گره‌های دست آموز خود می‌دهند!

پیش بینی نتیجه مصیبت بار "مذاکرات بین‌الافغانی" چنانچه اصلا متحقق شود، از همین حالا هویدا است. مشخص است که مذاکره کنندگان حکومتی در مقابل

طالبان در چه وضعیت رقت‌باری و با چه تشنتی می‌خواهند نقشه راه سیاسی در این مذاکرات را تعیین کنند. از همین حالا توافق برای آزاد سازی ۵ هزار زندانی طالب توسط اشرف غنی که پیشتر امضای آنرا خط قرمز خود می‌نامید، مانند بره‌ای سر به راه اعلام شده است.

عبدالله عبدالله و متحدینش محرمانه مشغول چانه زنی برای کسب موقعیتی در تصمیمات اجرایی هستند و آینده ناروشنی در تحولات آتی سیاسی افغانستان بعنوان نماینده احزاب جهادی دارند. این اوضاع موقعیت برتری به طالبان خواهد داد.

طالبان با آنچه که اشغالگر و خارجی و کافر و... می‌نامید توافق صلح امضا کرد اما همین روش را در مقابل حکومت از هم گسیخته نخواهد داشت. مصیبت جنگ، کشتار و انتحار و اختلاف بارها و بارها بیشتر از پیش ادامه خواهد یافت. این بار تحت نام داعش و یا هر جریان دیگری. ماهیت طالبان نه تنها تغییری نکرده است که اکنون هارتر و وحشی‌تر از هر وقت دست به جنایت خواهند زد تا حکومت متزلزل‌تر از پیش به سازش و واگذاری بیشتری در مذاکرات

بین‌الافغانی تن دهد. جامعه مضطرب می‌داند اولین هجوم به دست‌آوردهایی است که مردم با پرداخت هزینه‌ای سنگین در دفاع از آزادیهای اجتماعی و حضور نیم بند زنان در جامعه و مطبوعات نیمه آزاد به دست آورده‌اند. قربانیان همیشگی توحش تروریسم اسلامی در قبال زد و بند آمریکا و جهادی‌ها و طالبان در درجه نخست حقوق زنان و آزادیهای نیم بند اجتماعی است. بازگشت هر نام و عنوان، در غیاب اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی پیشرو و مترقی، چپ و سوسیالیست، محتمل‌ترین سناریوی سیاسی در افغانستان است.

جمهوری اسلامی ایران و معامله طالبان با آمریکا

علیرغم تردید در اینکه معامله آمریکا و طالبان پایدار باقی خواهد ماند و به نتیجه خواهد رسید یا نه. اما نفس آن توافق پیام روشنی برای جمهوری اسلامی ایران دارد که آن بخشی از طالبان که توسط جمهوری اسلامی تقویت و تجهیز می‌شوند، باید حساب کار دستشان آمده باشد که وقتی طالبان برابر توافتات

اعلام شده، به همدستی با القاعده پایان داده است، بنابراین نمی‌تواند همچنان بخش‌هایی از آن متحد سیاست‌ها و اهداف جمهوری اسلامی در منطقه باشند.

جمهوری اسلامی بخوبی می‌داند توافق بده دست آمده با تأیید پاکستان به عنوان آبخشور اصلی طالبان انجام گرفته است. کشمکش پاکستان و آمریکا بر سر این توافق از چشم جمهوری اسلامی پنهان نیست. همین توافق، موقعیت متزلزلی برای جمهوری اسلامی در منطقه ایجاد می‌کند و به درجه زیادی از نقش آفرینی علنی آن در منطقه خواهد کاست. بخشی از متحدین سابق خود را باید در صفوف طالبان اجبارا از دست بدهد و به خاکریزهای پشت جبهه بازگردد.

برای جمهوری اسلامی ایران بازیگری در آینده سیاسی افغانستان و در منازعات منطقه بسیار حیاتی است و حال دارد، توافتات پنهان خود با طالبان را عملا می‌بازد.*

جمهوری اسلامی قابل اعتماد نیست!

ارسال کمک برای مقابله با کرونا باید تحت نظارت مردم باشد

برای مقابله با کرونا صورت گیرد و شفاف و روشن به افکار عمومی گزارش داده شود. نباید اجازه داد درد و رنج مردم ابزار و وسیله ای برای سودآوری مستی دزد و جانی قرار گیرد.

حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۲ اسفند ۱۳۹۸

۱۲ مارس ۲۰۲۰

کمک های ارسالی در بازارهای سیاه بفروش رسیده و مردم نیازمند از آن محروم شدند. نباید اجازه داد کمک های ارسالی برای مقابله با کرونا نیز دچار این سرنوشت شوند.

هر نوع کمکی باید تحت نظارت مردم، بیمارستان ها و سایر مراکز مقابله با کرونا و نهادهای همیاری مردمی

چیزی نصیب مردم نمیشود. هیچ اعتمادی به جمهوری اسلامی نیست. کمک ها چه بصورت نقدی و چه غیر نقدی در دست جمهوری اسلامی و ایادی آن برای هر امری بجز مقابله با کرونا بکار گرفته میشود و یا از بازار سیاه کالاها سر در میاورد. در جریان حوادث پیشین همچون سیل و زلزله و غیره،

کافی برای مقابله با کرونا هست اما هر ماه میلیاردها دلار صرف موسسات مذهبی و مساجد و امام جمعه ها، صرف سرکوب و گروههای اسلامی در منطقه و یا صرف دزدی توسط مقامات و آیت الله ها میشود. هر کمکی از خارج برای مقابله با کرونا نیز توسط جمهوری اسلامی صرف همین اقلام میشود و

جمهوری اسلامی از صندوق بین‌المللی پول تقاضای دریافت ۵ میلیارد دلار برای مقابله با ویروس کرونا کرده است. این تقاضا هفته قبل و پس از اینکه صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد که به کشورهایی که درگیر کرونا هستند، ۵۰ میلیارد دلار اختصاص داده است، توسط وزیر امور خارجه و رئیس بانک ملی ایران صورت گرفت. بودجه در ایران به حد

اکرم رحیم پور از ادامه بازداشت همسرش جعفر عظیم زده و دیگر زندانیان خبر میدهد

سیاسی است." کمپین برای آزادی کارگران زندانی همصدا با اکرم رحیم پور و همه خانواده های زندانی خواستار آزادی فوری تمامی زندانیان بوده و با تمام قوا تلاش دارد که صدای آنان در سطح جهانی باشد. جعفر عظیم زاده و تمامی زندانیان در بند باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همواره تلاش کرده است که صدای کارگران زندانی، معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی باشد. با اعتراضی سراسری در زندانها را باز خواهیم کرد.
۱۱ مارس ۲۰۲۰
۲۱ اسفند ۹۸
کمپین برای آزادی
کارگران زندانی
Shahla.daneshfar2@gm

نبود. تلفنی هم با دادپاری صحبت کردم که گفتند "فعال خبری نیست، ما هم اطلاع نداریم که آیا اسامی جدیدی از زندانیان از طرف دادستانی صادر میشه یا نه". تا اینجا که دادستانی به جز چند نفر با مرخصی دیگر زندانیان سیاسی موافقت نکرده است و باتوجه به اینکه یک هفته به تعطیلی کامل ادارات و نهادهای قوه قضائیه نمانده است دادستانی نمی خواهد با مرخصی عزیزانمان تا پایان بحران کرونا موافقت کند. در این شرایط جان عزیزانمان در زندان به شدت در خطر است. دادستانی مسئول به خطر انداختن جان زندانیان

سرگشاده خود بر آزادی تمامی زندانیان تاکید کرده اند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همراه با خانواده ها در کنار این کارزارها ایستاده و تلاش میکند که صدای زندانیان در سطح جهان باشد. گفتنی است که اکرم رحیم پور همسر جعفر عظیم زاده از مراجعه روزهای ۲۰ و ۲۱ خود به زندانی برای پیگیری مرخصی همسرش جعفر و سرداندن های مقامات زندان چنین مینویسد: "امروز چهارشنبه به امید اینکه اسامی جدید منتشر شده است رفتم دادپاری، اما از لیست خبری

بیشتر بیماری خطرناک کرونا جان این عزیزان و همه زندانیان در خطر است و جمهوری اسلامی در قبال جان آنها مسئول است. هم اکنون کارزارهای گسترده ای برای آزادی آنان در جریان است. از جمله این کارزارها کارزار در دفاع از جان زندانیان با امضای شماری از فعالین کارگری و اجتماعی و خانواده های زندانیان سیاسی از جمله خانواده آتنا دائمی و شماری از زندانیان زندان سنندج و کارزاری با بیش از دو هزار امضاء در جریان است. همچنین خانواده های زندانیان سیاسی و نیز سهیل عربی از زندان با نامه های

بهداشتی و کمک به مردم نیازمند پرداخته اند. این در شرایطی که دامنه شیوع بیماری خطرناک کرونا به زندانها کشیده شده است اکرم رحیمی پور از ادامه بازداشت همسرش و عدم موافقت با مرخصی او خبر میدهد. جعفر عظیم زاده چهره سرشناس کارگری با شش سال حکم در زندان است. علاوه بر جعفر عظیم زاده چهره های دیگری از فعالین کارگری و معلمان معترض همچون اسماعیل عیدی و محمد حبیبی از معلمان دربند و آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام و گلرخ ایرایی از جمله فعالین دفاع از حقوق زن و سهیل عربی در بازداشت بسر میبرند. با شیوع هر روز

ترس اعتصاب تعطیل اعلام شده است. جمهوری اسلامی در هراس از گسترش گفتمان اعتصاب در سطح جامعه و تبدیل آن به اعتصابی عمومی و سراسری در هر کجا که زمزمه های آن بلند میشود، پیشدستی کرده و کار را تعطیل اعلام میکند. این عکس العمل حکومت نشان از وحشت آن از اعتراضات و اعتصابات سراسری کارگران و کل جامعه و قدرت اعتصاب سراسری کارگری است. حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم را در اعتراض به اهمال و بی مسئولیتی حکومت و معضل جدی کرونا به اعتصاب عمومی فرا میخواند.

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۹ اسفند ۹۸
۹ مارس ۲۰۲۰

کارگران بویژه در مرکزی چون فولاد اهواز وحشت دارد. کارگران فولاد اهواز علاوه بر تعطیلی همراه با حقوق بر اختصاص امکانات رایگان درمانی و پزشکی در هنگام بیماری تاکید دارند. کارگران اعلام کرده اند که اگر خلف وعده ای صورت گیرد، صدای اعتراض خود را بلند خواهند کرد. موفقیت فولاد اهواز یک موفقیت برای همه کارگران است و به همه کارگران در شرایط بحران خطرناک کرونا راه نشان میدهد. گفتنی است که در روز پنجشنبه ۱۵ اسفند کارگران راه آهن نیز فراخوان به اعتصاب سراسری دادند و بخشهایی از راه آهن از جمله خط مشهد به اهواز نیز از



اعتراضات کارگری است. اعتصابات قدرتمند این کارگران در سال ۹۷ حکومت اسلامی را در قبال آنها بسیار محتاط کرده است. حکومت اسلامی آنها در کوران بحران کرونا از به میدان آمدن

مجموع با قول پرداخت حقوق به کارگران گرفته است. تعطیلی فولاد اهواز همراه با پرداخت حقوق یک موفقیت آشکار برای کارگران است. فولاد اهواز با سه هزار کارگر یک کانون مهم

مجموع فولاد اهواز تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام شده است. کارفرما قول داده است که در ایام تعطیل حقوق کارگران را بطور کامل پرداخت کند. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده است که از دو روز قبل زمزمه اعتصاب در میان چند هزار کارگر این مجتمع جریان داشت و کارگران طی جلساتی تصمیم داشتند در اعتراض به نبود امکانات پیشگیری از کرونا و برای حفظ جان خود دست به اعتصاب بزنند. بنا بر آخرین گزارشات مسئولین فولاد اهواز این شرکت را از شیفت شبکار امشب نوزدهم اسفند تا اطلاع بعدی تعطیل اعلام کرده است. خبرها حاکی از اینست که مدیریت فولاد که شاهد جلسات کارگران برای اعتصاب بوده طی تماسی با استاندار قصد کارگران را به اعتصاب به او خبر داده و برای جلوگیری از این اتفاق تصمیم به تعطیل



بیماری کرونا - اطلاعیه شماره ۱۲

جان باختن احمد نعمت الهی کارگر ایران خودرو به دلیل کرونا

کارگران ایران خودرو خواهان تعطیل این شرکت هستند

اصلی شیوع کرونا در کشور است. این مردم هستند که باید خود به فکر جان خود باشند و خواست های خود را از جمله تعطیل مراکز کار با حفظ حقوق تنها با اعتراض متحدانه خود به مفتخوران حاکم و کارفرمایان تحمیل کنند. هرچه دیرتر برای تعطیل مراکز کار اقدام کنیم بیماری بیشتر در این مراکز شیوع پیدا میکند، تلفاتمان را بالا میبرد و مهار آن غیر عملی تر میشود. کارگران مراکز مختلف نباید فرصت را از دست بدهند، متحدانه تصمیم بگیرد و خواست خود را به حکومت جنایتکاران و

ایران خودرو مدیریت تصمیم گرفته است شرکت را تعطیل کند. زمان شروع تعطیلی هنوز مشخص نشده است. کارگران نگران سلامت خود هستند و قبل از اینکه بیماری به تعداد بیشتری از آنها سرایت کند، خواهان تعطیل فوری کار هستند. حزب کمونیست کارگری جانباختن احمد نعمت الهی را به بستگان او و کلیه کارگران ایران خودرو صمیمانه تسلیت میگوید و جمهوری اسلامی را مسئول مرگ او میداند. جمهوری اسلامی مسئولیتی در قبال جامعه ندارد و خود عامل

جان باختن احمد نعمت الهی روز ۲۰ اسفند کارگران دست به اعتراض زدند و خواهان تعطیل فوری کارخانه شدند. وزارت بهداشت نیز خواهان تعطیلی شرکتهای خودروسازی شده اما دو شرکت اصلی سایپا و ایران خودرو در مقابل تعطیلی کارخانه مقاومت میکنند و حتی شرکت سایپا تلاش میکند به هر شکلی شده در همین ایام و تعطیلات عید خط دوم را راه اندازی کند و به شرکتهای سازنده خط فوق فشار آورده که تعطیل نکنند. اما بخاطر فضای اعتراضی در

طبق خبری که به ما رسیده متأسفانه احمد نعمت الهی کارگر واحد موتورسازی سایت مرکزی ایران خودرو بدلیل ابتلا به کرونا جان باخته است. گفته میشود که دو کارگر دیگر نیز در ایران خودرو جان باخته اند. طبق این خبر تنها در یکی از واحدهای این مجتمع حداقل ۵ نفر به بیماری کرونا مبتلا شده اند و یکی از کارگران این مجتمع میگوید احتمالاً حداقل ۵۰ نفر در کل واحدهای ایران خودرو به این بیماری گرفتار شده اند. ایران خودرو یک کارخانه نیست. قتلگاه کارگران است. در سالهای اخیر به دلایل مختلف از جمله فشار غیر انسانی کار و شرایط نا امن و نامناسب، چند نفر از کارگران هنگام کار جان باخته اند. با

مدیران مفتخور تحمیل کنیم. اعتصاب عمومی و تعطیل سراسری کار را باید با قدرت خود عملی کنیم و به اجرا بگذاریم.

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۱ اسفند ۱۳۹۸
۱۱ مارس ۲۰۲۰

حکومت کرونای اسلامی

سه نویسنده را به زندان احضار کرد

اسلامی است و وظیفه مردم حفظ خودشان و رهایی جامعه. باید پیوندهایمان را محکم تر کنیم، شبکه همیاری و مبارزاتی مان را در هر محل کار و در هر شهر و محله ای ایجاد کنیم، حول اهداف انسانی مان گرد آییم و با اعتراض و فشار سراسری به حاکمین به این شرایط مشقت بار پایان دهیم.

حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۳ اسفند ۱۳۹۸،
۱۳ مارس ۲۰۲۰

انسانی آن است. تلاش برای آزادی زندانیان را باید گسترش داد. میتوانیم مانع دستگیری بیشتر شویم میتوانیم عزیزانمان را از زندانهای بیرونی بیاوریم. میتوانیم به احضارها و محکومیت های جدید اعتراض کنیم و جنایتکاران حاکم را از کار خود پشیمان کنیم. وظیفه مفتخوران حاکم حفظ حکومت ننگین

بقا و حفظ خود است. این محور همه سیاست های حکومت است. حتی در شرایطی که کرونا در ایران جان خیلی ها را گرفته و هزاران نفر را بیمار کرده است، اقدامات این حکومت، نه احساس مسئولیت در قبال جان مردم و زندانیان بلکه تماماً متوجه حفظ موجودیت نفرت انگیز خود خود در مقابل خشم و نفرت مردم است. همین یک اقدام حکومت و ادامه بازداشت زندانیان، به حد کافی گویای بی مسئولیتی کامل آن در قبال جان مردم در مقابل شیوع کرونا است. جمهوری اسلامی عامل اصلی شیوع کرونا در ایران است و احضار فعالین به زندان نیز گوشه ای از همین سیاست ضد

را در سطح جامعه علیه این حکومت کثیف اسلامی دامن خواهد زد. جامعه فریاد میزند که زندانیان را آزاد کنید و جانیان حاکم در تلاشند فعالین بیشتری را به داخل زندانهایشان که از ابتدایی ترین شرایط بهداشتی نیز برخوردار نیستند، بکشانند. آنچه جنایتکاران حاکم را در شرایطی که شیوع ویروس کرونا سلامت و جان زندانیان را به شدت تهدید می کند، و امیدارد که بجای آزادی زندانیان، باز هم دستگیر و زندانی کند، ترس و وحشتشان از مردم و فعالین سیاسی است که نقش مهمی در روشنگری و افق دادن و متشکل کردن مردم دارند. تلاش جمهوری اسلامی برای

سه نفر از اعضای کانون نویسندگان ایران طی ابلاغیه ای که روز ۲۰ اسفند برای آنها ارسال شده است به شعبه یک اجرای احکام دادسرای اوین فراخوانده شده اند. مدتی قبل رضا خندان (مهابادی) و بکتاش آبتین اعضای هیئت دبیران کانون هرکدام به شش سال و کیوان باژن عضو سابق هیئت دبیران کانون به سه سال و نیم زندان محکوم شده بودند. اکنون شعبه یک اجرای احکام از آنها خواسته است که ظرف چهار روز خود را به شعبه یکم اجرای احکام معرفی کنند. واقعا مرگ بر حکومت بیشرم کرونای اسلامی! احضار نویسندگان برای اجرای حکم زندان، در اوضاع بشدت بحرانی و خطرناک کنونی یک گستاخی نفرت انگیز از جانب حکومت است و خشم و انزجار عمیق تری

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com

گزارش تصویری از حضور فعالین حزب در مراسم های ۸ مارس در شهرهای استکهلم، فرانکفورت و اسلو



KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
 ماهواره پناه ست
 فرکانس : 11766
 پولاریزاسیون : عمودی
 سیمبل ریت : 27500
 اف ای سی : 5/6

